



نقش حوزه علمیه در راهبرد های فرهنگ عمومی و دین داری جامعه

منصوره زارعی^۱

چکیده :

در جامعه‌ی ما چه در گذشته، چه حال و چه در آینده در باره‌ی این نقش [حوزه های علمیه] باید خیلی مطالعه و تدبیر بشود. از مجموعه‌ی روحانیت، بخصوص حوزه‌ی علمیه را انتخاب کردیم؛ چون اینجا مزرع علمای دین و پرورشگاه نهالهای بالنده‌ی فقاقت در آینده است. این حوزه‌ها در طول زمان توانسته‌اند اولاً دین را حفظ و تبیین کنند که اگر زحمات حوزه‌های علمیه از آغاز تا امروز نمی‌بود، یقیناً از دین و حقایق دینی چیزی باقی نمی‌ماند؛ بقای دین مدیون تلاش علمی حوزه‌هاست ثانیاً توانسته‌اند روحیه‌ی دینی مردم را تقویت کنند. از این حوزه‌ها بوده است که علما و مبلغانی برخاستند و در میان مردم تبلیغ دین کردند و روحیه‌ی دینی را در مردم تقویت نمودند و همچنین توانستند فکر جامعه را هدایت کنند. از هزار سال پیش تا امروز یعنی بعد از دوران حدیث و متن‌گرایی، و از اول دوران استدلال این حوزه‌های علمیه بودند که توانستند فکر دینی مردم را هدایت کنند و به آن‌ها روحیه‌ی دینی بدهند.

کلید واژه : حوزه علمیه، دین داری، فرهنگ، جامعه

مقدمه :

حوزه‌ها در طول زمان توانسته‌اند اولاً دین را حفظ و تبیین کنند؛ ثانیاً توانسته‌اند روحیه‌ی دینی مردم را تقویت کنند. روحانیت در تاریخ ایران همواره نقش حاملان فرهنگ را داشته و از و از نظر جایگاه نیز در مقام برجسته‌ای قرار داشته اند، به گونه‌ای که روحانیت، به عنوان سازمان رهبری کننده مردم و گروهی از افراد هستند . اگر دین برنامه خداوند برای زندگی انسان است و اگر زندگی انسان دارای سطحها و لایه های فردی و جمعی، ظاهری و باطنی، موقت و ابدی است و اگر حرکت به سمت هدف دین نیازمند تنظیم کلیه این سطحهاست، آن گاه بدون مهارت برای فهم و ارائه دین به صورتی که توانایی ایجاد این تنظیم را به انسانها بدهد، نمی توان بر اساس دین زندگی کرد. و از آن جایی که زندگی نمی ایستد و نیازها انسانها را وادار به تلاش برای رفع نیاز می کنند و از آن جایی که تلاش انسانها در ساختار خلقت انجام می پذیرد و ساختار خلقت به هم پیوسته، شبکه ای و قاعده مند است، پس تلاش انسانها، ناگزیر، در قالب برنامه و قاعده مند صورت می پذیرد. پس اگر دین به صورتی عرضه نشود که توانایی مدیریت زندگی را برای انسان ایجاد کند، انسان به برنامه ها و مدیریتهای رقیب کشیده خواهد شد.

^۱ - پایه چهارم، مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها آباءه طشک، شهرستان بختگان



و از آن جایی که تجربه های بشری در طول قرنهای اخیر، برنامه ها و مدیریتهای به طور نسبی اثرگذاری را تولید کرده و آثار تمدنی گسترده ای را به جای گذاشته است و معارف دینی در طول این قرنها، به واسطه عوامل برون دینی، انتزاعی تر و فردی تر شده، از حیطة های برنامه ریزی و مدیریتی فاصله بیش تر گرفته اند، رقابت طرحها و برنامه ها، تجربه ها و فرهنگهای بشری با معارف دینی گسترده تر و عمیق تر شده است.

انسانهایی که مخاطب دین و معارف دینی و حوزه های علمیه هستند نیز، در طول دهه های اخیر، به واسطه زندگی رسانه ای، از موقعیتهای رقیب، حسّ بیش تر پیدا کرده و سطح دانایی آنان نیز نسبت به پدیده ها و وقایع افزایش یافته است. پرسش گری، تحلیل گری، نقادی، جرأت و جسارت مخالفت نیز از شاخصهای کسانی است که امروزه مخاطب حوزه ها هستند.

این، توصیف وضعیتی است که حوزه های علمیه با آن رو به رو هستند، وضعیتی که هرچه زمان رو به جلو می رود تشدید می شود.

حوزه های علمیه و روحانیت، از عناصر مهم و اصلی مولد فرهنگ در کشور ما بوده اند، و گفتار و کردار این قشر دینی، همواره حجت شرعی و مقبول افراد جامعه بوده و هست. این ارتباط محکم بین مردم و روحانیت، ایجاب می کند که نگاهی دقیق تر به نقش حوزه در القای فرهنگ عامه، بیندازیم و فلسفه این امر را نیز می توانیم در سخن حضرت علی (علیه السلام) جویا شویم که فرمودند: ((خدایا، ضرورت است که در زمین تو حجت هایی باشد که یکی پس از دیگری بر خلقت فرود آیند، تا آنها را به دینت هدایت سازند و علم تو را از تفرقه و پراکندگی نجات دهند.))^۱

اگر چه حجت های واقعی خدا، انبیاء و ائمه اطهارند، ولی در زمان غیبت، علما به عنوان حافظان دین و شریعت اسلامی و جانشینان امام معصوم - علیه السلام - وظیفه هدایت جامعه را بر عهده دارند و مردم وظیفه دارند به آنان مراجعه نمایند و آن حجت غایب خود فرمود: «در حوادث واقعه به راویان حدیث و علما مراجعه کنید»^۲ لذا در عصر پر التهاب کنونی، مخصوصاً در دو دهه اخیر انقلاب، همه شاهد این نقش بسیار مؤثر حوزه های علمیه و علمای بزرگوار به ویژه در احیای فرهنگ غنی اسلام و حفظ باورها و معتقدات دینی مردم و استخراج برنامه های دین از کتاب ها و رجال و علمای قدیم بوده ایم.^۳ از این روی به جرأت می توان اذعان داشت که روحانیت در تاریخ ایران، همواره نقش حاملان فرهنگ را داشته و از نظر جایگاه نیز در مقام برجسته ای قرار داشته اند، به گونه ای که «روحانیت، به عنوان سازمان رهبری کننده مردم و گروهی از افراد هستند که پیشرفت یا انحطاط جامعه را با روحانیت در ارتباط می دانند.»^۴

با این توضیحات، می توان موارد زیر را به عنوان نقش و رسالت حوزه های علمیه در فرهنگ جامعه، مورد اشاره قرار داد: ۱. دفاع از حریم دین و مقابله با انحرافات؛ این مورد، اساسی ترین کار ویژه های روحانیت و حوزه های علمیه تلقی می شود. رسالت عظیم حوزه های علمیه در حفظ دین و مقابله با انحرافات بوده است که خود مهمترین برنامه

۱ - کلینی، اصول کافی، ص ۳۳۹

۲ - طوسی، الغیبة، ص ۱۷۷.

۳ - فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ص ۲۱۲.

۴ - مطهری، ده گفتار، ص ۲۳۹.



در امور فرهنگ سازی است، زیرا حفظ فرهنگ دینی از هر گونه گزند و ارائه درست آن، خود یک نوع فرهنگ سازی است. امام امت در این باره فرمودند: «تردید نیست که حوزه های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجرویها بوده اند»^۱. ۲. فراهم نمودن زمینه های جامعه پذیری صحیح: جامعه پذیری یعنی آشنا شدن و خو گرفتن یک فرد با ارزش ها و ایستارهای جامعه خویش به گونه ای که در طی آن آشنایی، این فرد هنجارمند می گردد. بنابراین جامعه پذیری همان انتقال فرهنگی است که یک فرد خصوصاً در سنین پائین، اندیشه ها و باورهای را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به او داده می شود، اخذ نموده و با آن خود را شکل و قالب می بخشد. ۳. حوزه های علمیه و علمای دینی با مکانیزم هایی، همچون وعظ، خطابه و تبلیغ، موظف به فراهم نمودن زمینه های لازم برای پذیرش ارزش ها و هنجارهای متعالی اسلام در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و غیره هستند.

۳. فراهم آوردن زمینه برای اجرای احکام: یکی دیگر از وظایف حوزه های علمیه و نقش انکار ناپذیر آن در فرهنگ سازی جامعه، فراهم آوردن زمینه برای اجرای احکام اسلامی است. این رسالت که به نوعی فرهنگ سازی و نهادینه شدن ارزش های دینی تلقی می گردد، کراراً از سوی امام امت - رحمه الله علیه - مورد تأکید قرار می گرفت، ایشان در جمله ای فرمودند: «خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حيله گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و الا مادامی که فقه در کتاب ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست»^۴. احیای مسجد، به عنوان یکی از مهمترین نهادهای فرهنگ ساز جامعه: از آنجایی که فضای حاکم بر کشور ما دارای صبغه دینی است، ناخودآگاه از منظر خاستگاه روان شناختی می توان، کشش و گرایش اکثریت مردم را به سوی آموزه های دینی حس نمود. در این میان، می توان نقش و رسالت عظیم حوزه های علمیه به عنوان پاسداران موارث عظیم اسلام را اثبات نمود و طبیعی است که علاقه قاطبه ملت متدین، به سوی روحانیت اصیل متوجه گردد. از این گذشته، با توجه به نقش و جایگاه ویژه «مسجد» به عنوان بزرگترین نهاد دینی و مدنی و سرپرستی آن توسط روحانیت شیعه موجب می شود تا بیش از پیش نقش روحانیت در عرصه فرهنگ و اجتماع ملموس تر گردد، زیرا پایگاه مسجد بزرگترین مکان برای فرهنگ سازی در سطح جامعه است و این پایگاه در اختیار روحانیت است. به تعبیر پروفیسور حمید مولانا، صاحب نظر برجسته جهانی در علم ارتباطات «بزرگترین و مردمی ترین شبکه نهادهای مردمی در دنیا، در اختیار روحانیت شیعه در ایران است»^۵. ۵. ترویج اخلاق حسنه: از این گذشته، بسیاری از میراث های ماندگار فرهنگی دینی ما مدیون حوزه های علمیه و روحانیت شیعه است. کتاب های بزرگی نظیر، مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، اصول کافی کلینی، من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، بحارالانوار، تهذیب الاحکام، و صدها جلد کتاب دیگر که همگی آن سرشار از اخلاق، معنویت و خود سازی و راهنمای عمل برای زندگی می باشند.^۶ بزرگترین نشانه بر فرهنگ ساز بودن حوزه های علمیه قلمداد می گردد و از همین جاست که می توان با قاطعیت اعلام نمود که بخش عمده آثار مکتوب در عرصه فرهنگ متعلق به روحانیت

۱ - صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۹.

۲ - گابریل آلموند و دیگران، چهار چوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، فصل ۳.

۳ - فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۸۸.

۴ - مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۷۱.



است. ۶. رهبری دینی: حوزه در تاریخ کشورمان، همواره به عنوان متولی اصلی هدایت دینی در جامعه به حساب می آید و به عبارت دیگر. مرجع رسمی تبیین ارزش ها و تثبیت باورهای دینی و استنباط و افتای احکام عملی روحانیت نیز پس از قرن ها طلوع خورشید اسلام، بوده و خواهد بود. چنانکه در پرتو پرسش های اعتقادی و نیز گفت و شنوهای مذهبی میان ادیان، همواره دیدگاه جامعه به حوزه و روحانیت معطوف گردیده است، اکنون روحانیت در پرتو همان محوریت دینی خویش توانست، انبوه مردم دین خواه را به دنبال خود گسیل دارد و بالاخره. هدایت و اجرای یک انقلاب مبتنی بر دین را بر عهده بگیرد.

فعالیت هایی که باید در حوزه انجام گیرد:

۱- تنظیم برنامه های حوزه به گونه ای مناسب که علوم مختلف اسلامی را عمیق و دقیق و همه جانبه فرا گیرند و با جهاد و اجتهاد معارف بلند را از معادن و ذخائر غنی فقه شیعی استخراج کنند.

۲- در کلیه سطوح آموزشی، قرآن به عنوان برترین مشعل هدایت مورد استفاده قرار گیرد.

۳- برنامه ریزی آموزشی و نظم در آموزش و التزام به فراگیری دقیق و امتحان کردن طلبان مورد توجه قرار گیرد.

۴- آگاهی از زمان و حقایق علمی و سیاسی جهان و مسلح شدن به بینش جهانی و بهره وری از علوم روز در حد لزوم در برنامه ها مورد عنایت باشد.^۱

۵- استتبان به سنت نبی اکرم(ص) و اقتداء به امامان معصوم(ع) در رفتار و گفتار و احیای دل با معارف آنها و تهذیب نفس و پرهیز از تجمل و تخلق به اخلاق اسلامی و ساختن شخصیت اسلامی خود و انس با قرآن و ادعیه جزو برنامه های فردی و جمعی حوزه باشد.

۶- حفظ وحدت کلیه برادران فرقی اسلامی خصوصاً احتراز از تشّت و پراکندگی برادران شیعه.

۷- گسترش فعالیتهای حوزه برای فراگیری معارف اسلامی توسط خواهران مسلمان.

حوزه های علمیه و نظام فرهنگی:

فرهنگ مهمترین رکن یک تمدن است و تأثیر در فرهنگ یقیناً تأثیر بر تمدن را در پی دارد. یکی از شاخصه های مهم در بررسی یک تمدن میزان اهتمام به گسترش و رشد علوم است. در واقع رشد علم در یک تمدن نشان از ثبات و حیات آن تمدن دارد، حوزه علمیه در این راستا طی اعصار مختلف از زمان ائمه با جذب استعداد های درخشان و پرورش دانشمندان جامع الاطراف، تنها طلایه دار علم و دانش در طول حیات تمدن اسلامی بوده است.^۲ در گذشته مکتبخانه ها نقش مهمی در آموزش علم و دانش به مردم و آشنایی جامعه با مفاهیم دینی و قرآن داشتند. توجه به امر سواد و دانش در میان روحانیت در ایران به قدری فراگیر و گسترده بود که به هنگام احداث و آغاز فعالیت دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی که نماد آموزش عالی در ایران محسوب میگردید برای تدریس دروس از جمعی از اساتید و فرهیختگان حوزه های علمیه دعوت کردند و این امر بیانگر جایگاه و منزلت علم و دانش در میان روحانیت بوده است.^۳

۱- دارابی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ص ۶۱.

۲- مطهری، ده گفتار، ص ۲۳۹.

۳- دارابی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ص ۸۲.



علمی که در حوزه علمیه مورد توجه بود، علاوه بر علوم اسلامی، شامل آنچه که یک جامعه بدان نیازمند است و در اسلام تحت عنوان فریضه از آن یاد شده، میشده است.^۱

ارائه دیدگاه جدید امام خمینی (ره) در میان حوزویان و نقد دیدگاه پیشین:

امام خمینی (ره)، چه در جلسات و سخنرانی هایی که با عالمان حوزوی داشت و چه در خلال درس خارج خود، که امروزه بخش ولایت فقیه آن به فارسی نیز ترجمه شده است، اندیشه ی حکومت دینی در عصر غیبت و لزوم توجه به آن را مطرح و تبیین می کرد .

برای مثال، ایشان در زمان تبعید در نجف و در یک مجموعه ی سخنرانی در سال ۱۳۴۸، به موضوع حکومت دینی در عصر غیبت و ولایت فقیه پرداختند، چیزی که امروزه تحت عنوان ولایت فقیه چاپ شده است. در این کتاب به اموری چون دلایل لزوم تشکیل حکومت، شیوه حکومت اسلامی، ولایت فقیه و برنامه ی مبارزه پرداخته شده است. در بخشی از این کتاب درباره لزوم حکومت در عصر غیبت آمده است:

بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد... از غیبت صغرا تاکنون که بیش از هزار سال می گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید، احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟ آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دوستان سال و پس از غیبت صغرا، اسلام همه چیزش را رها کرده است؟

اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها، بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است. هیچ کس نمی تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کنیم یا امروز مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود. هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.^۲

رشد وسایل انتقال نظام مهدوی:

براساس نظریه ی سوروکین، بخشی از رشد یک نظام اجتماعی - فرهنگی، به رشد وسایل انتقال آن نظام برمی گردد. یک نظام معنایی در نخستین مرحله در ذهن بنیان آن موجود است و برای تبدیل شدن به یک نظام اجتماعی و پذیرش اجتماعی آن، باید وسایل مناسب برای انتقال این معانی به جامعه، به اندازه کافی به وجود آید. به وجود آمدن این ابزارهای انتقال معنا، به رشد کمی و همین طور رشد کیفی آن کمک می کند. مثلا ایجاد نشریه ای تخصصی درباره ی آن نظام معنایی، همراه با اینکه عده ای را پیوسته با معناهای مطرح در این نظام درگیر می سازد، به رشد کیفی آن نظام معنایی، خلق اجزای بیشتر، انسجام اجزا و غیره کمک می کند. این امر در خصوص مهدویت و در دوره دوم انقلاب، شکل محسوسی به خود گرفت.

مراکز و رسانه های مهدوی یا غیر مهدوی، ولی فعال در این زمینه که پس از انقلاب اسلامی و به ویژه در دوره ی دوم به وجود آمدند، بسیاریند. امروزه مراکز فراوانی به این امر اهتمام نشان می دهند. غیر از هیئت ها، دسته ها و

۱ - مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۷.

۲ - مطهری، ده گفتار، انتشارات صدرا، ص ۲۳۹.



مهدیه هایی که در شهر های گوناگون و با عناوین مهدوی به وجود آمده اند و فعالیت های دینی و مهدوی در طول سال یا در برخی ایام یا مناسبت ها همچون نیمه ی شعبان دارند ، برخی از مراکز نیز هستند که فعالیت هایشان استمرار ، گستردگی و سازمان دهی بیشتری دارد .^۱
مراکز مهدوی و حوزه ها :

پس از موسسه ی فرهنگی موعود ، مراکز و موسسات مهدوی و حوزه هایی علمیه یکی پس از دیگری در تهران ، قم و دیگر شهرستان ها به وجود آمد و در کنار موسسه ی موعود - که فعالیت هایش را ادامه و گسترش می داد- فعالیت های پژوهشی و تبلیغی خود را آغاز کردند . مراکز واقع در قم ، به دلیل نقش تقریباً منحصر به فرد حوزه ی قم در ترویج آموزه های دینی ، اهمیت ویژه ای دارند . در اینجا به توصیف مختصر یکی از این مراکز می پردازیم :

دز سال ۱۳۷۹ ، از سوی حجت الاسلام و المسلمین قرائتی که یکی از روحانیون متعهد به انقلاب اسلامی و فعال در امور مذهبی است و پس از انقلاب ، برای احیای بخش های مغفول مانده ی دین تلاش های به نسبت گسترده ای صورت داده است ، تاسیس بنیاد فرهنگی حضرت موعود (عج) به مقام معظم رهبری پیشنهاد شد . در پی موافقت ایشان و تاسیس آن در تهران ، در سال ۱۳۸۰ به منظور تربیت نیروی مورد نیاز خود و دیگران ، ((مرکز تخصصی امامت و مهدویت)) در قم و زیر نظر حوزه ی علمیه تاسیس گردید . این مرکز در سال ۱۳۸۶ در نه استان کشور شعبه دارد و بر اساس آنچه در بورسور آن آمده است ، در سه محور آموزشی ، پژوهشی و تبلیغی فعالیت می کند . این مرکز که در سطح ۳ حوزه علمیه (کارشناسی ارشد) طلبه می پذیرد و تاکنون ۱۲۰ نفر دانش آموخته داشته است ، دوره های کوتاه مدت آموزشی در سراسر کشور و در مراکز گوناگون حوزوی ، دانشگاهی ، نظامی و ... برگزار می کند .

همچنین ، آموزش های مکاتبه ای و مجازی ارائه می دهد و تاکنون چهل هزار نفر از طریق مجازی آموزش دیده اند . این مرکز در بعد تبلیغی ، کارشناسان و مبلغان خود را به مراکز گوناگون می فرستد و با همکاری برخی نهاد ها و مجموعه ها در ایجاد ((کانون مهدویت)) در سطح کشور مشارکت داشته است .

مراکز مهدوی به وسیله ی حوزه علمیه و طلاب و روحانیون اداره می شود و این ، یعنی ورود مهم ترین مرکز تبلیغ دین در عرصه مهدویت ، مرکزی که صرف تایید یا رد آن در خصوص فعالیت در این عرصه ، نقش تعیین کننده ای در ترویج یا عدم ترویج مهدویت خواهد داشت ، چه رسد به مشارکت در این امر و تغذیه ی فکری و علمی علاقمندان به این گونه مباحث که در حل انجام است .^۲

نتیجه گیری :

در طول زمان ، در مسائل سیاسی هم این حوزه ها تأثیر گذاشتند ، و ما این را در تاریخ گذشته ی خودمان هم دیده ایم؛ مثل دوران علامه ی حلی (رضوان الله علیه) که مدرسه ی سیار داشت و طلاب را حتی با خود در شهرها و بلاد گوناگون حرکت می داد؛ و چه در زمان ما، که تحرک ملت و تحقق انقلاب اسلامی و حدوث جامعه ای با پایه های

۱ - پرهیزگار ، انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران ، ص ۲۰۱ .

۲ - شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۹۵ .



اسلامی، به وسیله‌ی حوزه‌های علمیه انجام گرفت. کاری انجام گرفت که در طول تاریخ اسلام، از بعد از صدر اول تا امروز انجام نگرفته بود، و آن تحقق این نظام اسلامی بود. در دوران بعد از انقلاب تا امروز هم که حضور طلاب و حوزه‌های علمیه در مراحل مختلف انقلاب واضح است. حوزه‌ی علمیه از جهات مختلف برای جامعه یک نقش حیاتی دارد و این موضوع باید مورد تدبیر قرار بگیرد؛ یعنی کسانی روی این فکر کنند، تحقیق کنند، مواد لازم را جمع‌آوری کنند و در این زمینه فکر نو ارائه نمایند. نقش حوزه، غیر از جنبه‌های فرهنگی در اداره‌ی جامعه است. ما نباید از نقش سیاسی حوزه و شخصیت‌های حوزوی در اداره‌ی جامعه غافل شویم. این، چیز مهمی است. شما باید رهبران آینده‌ی انقلاب و کشور را در حوزه بسازید و به‌رورانید و فراهم کنید؛ شخصیت‌هایی که بتوانند رئیس‌جمهور و وزیر و نماینده و نظریه‌پرداز سیاسی باشند.

منابع :

* قرآن کریم .

۱. الهامی، علی اصغر، نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، تهران، ۱۳۸۲.
۲. امین زاده، علی، جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران با نگاهی ویژه به سربرداران، امید مهر، سبزوار، ۱۳۸۴.
۳. باغی، عماد الدین، حزب قاعدین زمان، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲.
۴. بختیاری، محمد عزیز، در آمدی بر نظریه‌های اجتماعی دین، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۲.
۵. بهروز لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، آینده روشن، قم، ۱۳۸۴.
۶. پناهی، محمد حسین، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، موسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، تهران، ۱۳۸۳.
۷. کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه.ق.
۸. طوسی، الغیبه، چاپ نجف، ۱۳۸۵ ه.ق.
۹. مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۱۰. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ صدرا.
۱۱. گابریل آلموند و دیگران، چهار چوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه، علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷.